

تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ویژگی‌های نظام سیاسی مد نظر امام

غلامحسین زارع^۱

چکیده

امام خمینی با روشن‌بینی و قدرت تسلط بر اندیشه‌های اسلام ناب محمدی و با به کار گرفتن آن‌ها در تبیین حکومت اسلامی و جایگاه ولایت فقیه در عصر مدرن، نقش ویژه‌ای را در حوزه اندیشه سیاسی به خود اختصاص داده‌اند. تا قبل از انقلاب اسلامی، در خواب هم نمی‌شد پیش‌بینی کرد که روزی حکومت به ظاهر پیچیده نظامی و مستبد محمدرضاشاهی سقوط کند و این چنین به زباله‌دان تاریخ فرو رود. نظریه‌پردازان داخلی و خارجی هر کدام از دیدگاه خاص خویش به بررسی علل و عوامل پیروزی انقلاب پرداخته‌اند. اما بدون تحلیلی همه جانبه و منسجم از اندیشه‌های سیاسی شیعه، خصوصاً مکتب عاشورا و دکترین مهدویت و ارائه آن در قالب گفتمان ولایت فقیه و حکومت اسلامی در عصر غیبت، نمی‌توان انقلاب اسلامی را تفسیر صحیح و همه جانبه‌ای کرد. نگارنده این پژوهش رخداد عظیم انقلاب را مرهون اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) و آبشخور فکری اصلی ایشان یعنی مکتب اسلام (عاشورا و مهدویت) دانسته و به دنبال اثبات آن می‌باشد. بر این اساس واضح و بدیهی است که به عوامل سطحی و مقطعی جهت پیروزی انقلاب اعتقادی ندارد. نگارنده مهم‌ترین مبانی و پایه‌های فکری شیعه در وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن را در سه مؤلفه اصلی می‌بیند: ۱) عصر غیبت و جایگاه ولایت فقیه. ۲) عدم مشروعیت قدرت سیاسی (رژیم شاه) ۳) نفی قدرت حاکم بر اساس اندیشه مکتب امام حسین (ع) و پارادایم کربلا.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، اندیشه سیاسی، فقه سیاسی، مهدویت.

^۱ - دکترای تخصصی علوم سیاسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز؛ پست الکترونیکی: ghzare36@yahoo.com

مقدمه

در باب انقلاب اسلامی تا کنون بیش از ۲۰۰۰ جلد کتاب در عرصه داخلی و بین‌المللی توسط نویسندگان ایرانی و خارجی نگاشته شده است. درباره چرایی و چگونگی رخداد انقلاب اسلامی از سوی اندیشمندان و نویسندگان عرصه انقلاب و علوم سیاسی، نظریات مختلفی ارائه گردیده است. گروهی عوامل اقتصادی، سیاسی و روانشناختی را مطرح کرده اند و عده ای هم عوامل فرهنگی - مذهبی را عامل اصلی انقلاب اسلامی دانسته اند. نگارنده با این گروه دوم همراهی دارد. بر همین اساس بر این باور است که خاستگاه اصلی و سرچشمه جوشان انقلاب در تحولات خرداد ۴۲ ظهور و بروز کرد و سپس با رهبری نیروهای مذهبی و روحانیت تحت زعامت امام خمینی (ره) در بهمن ۵۷ به ثمر نشست و آن تحول عظیم و جهانی رخ داد و منجر به تغییر ساختارهای نظام شاهنشاهی شده و ساختارهای نوینی در ایران شکل گرفت. مسئله اصلی ما تبیین و اثبات این مطلب است که اعتصابات و تظاهرات مردم طی سال‌های ۵۶-۵۷ در ادامه حرکت تاریخی خرداد ۴۲ صورت گرفته و در بهمن ۵۷ با رهبری امام انقلاب محقق گردیده است. در حقیقت متغیر مستقل اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و متغیر وابسته انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

تعاریف

اندیشه سیاسی: اندیشه در لغت به معنای فکر، تفکر، تأمل و نوعی از فعالیت ذهنی انسان عاقل است که در جهت کشف نادانسته‌ها صورت می‌گیرد. (معین، ۱۳۵۳: ۴۵) در یک نگاه، اندیشه عبارت است از مرتب ساختن امور معلوم برای کشف مجهول است. «اندیشه سیاسی، مجموعه‌ای از آراء و عقاید است که به شیوه‌ای عقلانی، منطقی و مستدل (و فراتر از آراء و ترجیحات شخصی) درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد» (فوزی، ۱۳۹۳: ۱۵).

اندیشه سیاسی می‌خواهد به چند سؤال اساسی پاسخ دهد:

- ۱- چه کسی یا کسانی بایستی حکومت نمایند؟
- ۲- برای اداره جامعه چه تصمیماتی را می‌توان گرفت؟
- ۳- اطاعت شهروندان از یک حکومت چرا ضروری است؟ و هزاران سؤال دیگر که مربوط به این‌گونه موارد می‌گردد. یعنی به طور کلی اندیشه سیاسی به دنبال اداره مطلوب جامعه است.

مفهوم اندیشه سیاسی امام خمینی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بسیج میلیون‌ها انسان مسلمان عاشق، جهت‌واژگونی حکومت طاغوت و نظام قدرتمند شاهنشاهی که غرب و آمریکا حمایت کامل و قاطع از آن می‌نمودند، باعث شد که تصویری زیبا از رهبر بزرگترین انقلاب قرن به جهانیان ارائه گردد. لذا شناخت اندیشه‌های عرفانی، فقهی، کلامی و فلسفی امام خمینی بسیار مهم و مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان جهان قرار گرفت.

مبانی اصلی اندیشه سیاسی امام خمینی

دو دیدگاه اصلی در باب اندیشه و اندیشمندان مطرح است:

۱- اندیشمندی که جهان‌بینی الهی دارد و به دنبال ایجاد حیات طیبه بوده و نگاهی تعالی‌جویانه به انسان دارد.

۲- اندیشمندی که جهان را تنها در بعد مادی خلاصه کرده و انسان را حیوانی دارای غرایز مختلف می‌داند. در یک برداشت از وضع موجود در نظر بعضی اندیشمندان برخی سیاست‌ها اصلاح و بعضی دیگر آنها را فساد می‌دانند. با توجه به مبنای اصلی نظری اندیشمند و مبانی اعتقادی او، نگاه به جامعه، حکومت و سیاست هم تغییر می‌کند(نبوی، ۱۳۸۵: ۴۶). جامعه آرمانی حضرت امام، یک جامعه مذهبی و مؤمنانه در مسیر حرکت به سوی حیات طیبه و ایجاد جامعه مهدوی و رسیدن به یک جامعه امام زمانی است(همان: ۵۳)

به طور مثال در اندیشه لیبرال دموکراسی، به دنبال رفاه حداکثری و بهره‌وری کامل جهت ارضای غرایز انسانی و فردیت‌های انسان و اصالت انسان است. در اندیشه مارکسیسم مطلوب ایدئولوگ‌های مارکسیست، در یک جامعه آرمانی رسیدن به حکومت بی‌طبقه کمونیستی و اشتراک کامل در ثروت است. رسیدن به نوعی مالکیت دسته‌جمعی و لغو مالکیت‌های فردی برای ایجاد مدینه فاضله و آرمانی کمونیسم. پس در هر تحلیلی از جهان و انسان و مبدأ آفرینش، وظایف و آرمان‌ها و مطلوب هم قابل تغییر و تبدیل و تربیت انسان مطلوب خویش را دنبال می‌نماید.

در ساختار اندیشه‌ای و نگرش فلسفی امام در خصوص جهان هستی و انسان، مباحثی مثل معرفت-شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی ایشان که متأثر از جهان‌بینی اسلامی و انسان‌شناسی اسلام است(لک زایی، ۱۳۷۳: ۲۶).

قبل از ورود به بحث اندیشه امام، نگاهی گذرا و کوتاه به چگونگی تکوین شخصیت امام می‌کنیم.

زندگی امام خمینی در دوران کودکی از ۱۲۸۱ تا ۱۳۰۰

امام خمینی در سال ۱۲۸۱ در شهرستان خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. پدربزرگ و جد ایشان از علمای بزرگ و فقهای معروف آن دوره بودند. پدر پدربزرگ امام از علمای نیشابور بود که برای تبلیغ دین اسلام رهسپار کشمیر در هندوستان شد که به دست مخالفان به شهادت رسید. پدربزرگ ایشان به دعوت یکی از بزرگان خمین به ایران بازگشت و در خمین ساکن شد. پدر ایشان مرحوم سیدمصطفی پس از تحصیلات و کسب اجازه اجتهاد از نجف به خمین بازگشت و پاسخگوی امور شرعی مردم بود. (پسندیده، ۱۳۷۴: ۱۰)

خواندن و نوشتن و قرائت قرآن و متون ادبی رایج در مکتب‌خانه‌ها را فرا گرفت. در سال ۱۳۰۰ در سن نوزده سالگی به اراک آمدند. حوزه علمیه اراک زیر نظر آیت‌... حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از شاگردان میرزای شیرازی اداره می‌شد. پس از مدتی به دعوت علمای قم و تهران، ایشان به قم مهاجرت کردند. اولین تجربه امام به جنبش مشروطه و خاطرات اساتید ایشان از این واقعه برمی‌گردد. زمانی که امام طلبه جوان و پرشوری بود.

«در جنبش مشروطیت همین علما در رأس بودند و اصل مشروطیت اساسش از نجف و ایران به دست علما شروع شد، اما بعد مردم بی‌طرف ماندند، روحانیون هم رفتند، هر کس سراغ کار خودش، روحانیون را از صحنه به در کردند، یا به ترور یا به تبلیغات، سیاست را از دست روحانیون گرفتند، دادند به دست آن‌هایی که می‌توانند به قول آن‌ها، یعنی فرنگ رفته‌ها، غرب زده‌ها، شرق زده‌ها و کردند آن‌چه کردند. یعنی اسم مشروطه آمد و واقعیت استبداد، آن استبداد تاریک ظلمانی شاید بدتر از زمان سابق، حتماً بدتر از زمان‌های سابق» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۲۸).

در کتاب کشف‌الاسرار که به سال ۱۳۲۳ نگاشته شده، اقدامات رضاخان را مورد نقد و بررسی کامل قرار داده است. شعری نیز از حضرت امام بیانگر حالات آن روزگار است.

از جور رضاشاه کجا داد کنیم
زین دیو بر که ناله بنیاد کنیم

آن دم که نفس بود، ره ناله بیست
اکنون نفسی نیست که فریاد کنیم

مهم‌ترین تأثیرات مخرب اقدامات رضاشاه، ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست بود. «من از همان آغاز، از کودتای رضاخان تا امروز شاهد همه مسائل بوده‌ام» (همان، ۱۳۷۸ : ۳۲۹)

وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهرماً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست (و حکومت) دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به رغم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل تکریم و احترام بود که حماقت از سراپای وجودش بیارد و آلاً عالم سیاسی و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت، متدین‌تر بود. اولین اطلاعیه سیاسی امام در تاریخ ۲۳/۲/۱۵ ضمن فرا خواندن مسلمانان به قیام برای خدا و به انتقاد از وضع موجود پرداخت. امام در سال ۱۳۳۲ در درس خارج فقه در مورد تقیه رساله‌ای کم حجم تألیف کرد که در مجموع با معنای رایج تقیه در آن زمان مغایرت داشت و تأکید داشت که «تقیه برای حفظ دین است نه محو آن». (رجبی، ۱۳۷۷ : ۲۳۷)

اندیشه سیاسی امام

در تاریخ اندیشه اسلامی، سه نوع اندیشه سیاسی دیده می‌شود:

- ۱- اندیشه سیاسی سلطه‌جویانه
- ۲- اندیشه سیاسی اصلاحی
- ۳- اندیشه سیاسی انقلابی

۱- اندیشه سیاسی سلطه‌جویانه

این اندیشه‌ها طرفدار حفظ وضع موجود هستند. جمله مشهوری وجود دارد: «الحق لمن غلب». عالم بزرگ اهل سنت "فضل‌اله روزبهان خنجی" در کتاب مشهور خود به نام "سلوک‌الملوک"، انواع حکومت‌های

مشروع را برمی‌شمارد. حکومتی را نیز که از طریق استیلا، قهر، شوکت و غلبه به وجود آمده باشد، حکومتی دینی می‌داند:

«و طرق انعقاد امامت چهار است: اول اجماع مسلمانان بر امامت او و بیعت اهل حل و عقد از علما و قضات و رؤسا، طریق دوم استخلاف امام سابق، کسی را که شرایط امام در او جمع شده باشد، سوم از طرق انعقاد امامت شوری است، طریق چهارم از اسباب انعقاد پادشاهی و امامت، استیلا و شوکت است. علما گفته‌اند: که چون امامت وفات کند و شخصی متصدی امامت گردد، بی بیعتی و بی آن که کسی او را خلیفه ساخته باشد و مردمان را قهر کند به شوکت و تشکر، امامت او منعقد می‌گردد، خواه قریشی باشد، خواه عرب باشد یا عجم یا ترک، خواه مستجمع شرایط باشد و خواه فاسق و جاهل و اگر چه آن مستولی بدین فعل عاصی می‌گردد و چون به واسطه سطوت و استیلا جای امام گرفته، او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد» (روزبهان خنجی، ۱۳۶۲: ۸۰).

۲- اندیشه‌های سیاسی اصلاحی

این دسته از اندیشه‌ها، با توجه به زمان و مکان و شرایط واقعیت‌های موجود، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور ارائه می‌دهند. «شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی، عمل سیاسی آن‌ها حامل اندیشه‌های سیاسی اصلاحی است. آیت‌ا... نائینی درباره سلطنت مشروطه، به کمک اصولی چون عمل به قدر مقدر و دفع افسد به فاسد می‌داند. اندیشه سیاسی امام خمینی و به تبع آن اقدامات سیاسی وی علیه رژیم پهلوی در یک مقطعی اصلاحی است.

امام در کتاب کشف‌الاسرار می‌گوید: «ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی تاکنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم یا سلطنت حق ماست، آری همان طور که ما بیان کردیم اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است. البته تشکیلاتی که بر اساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است. لکن آن‌ها نمی‌پذیرند، این‌ها هم با این نیمه تشکیلات هیچ‌گاه مخالفت نکرده و اساس حکومت را نخواستند به هم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کرده‌اند، مخالفت با همان شخص بوده، از باب آن که بودن او را مخالف صلاح

کشور تشخیص دادند و گرنه با اصل اساس سلطنت تاکنون از این طبقه مخالفتی ابراز نشده است، مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۷).

۳- مرحله اندیشه سیاسی انقلابی

در این مرحله امام به دنبال نفی سلطنت و شعار سرنگونی حکومت پهلوی را سر داده‌اند. یعنی اگر در مرحله قبلی حرکت سلبی را قبول داشتند، اکنون در این مرحله حرکت ایجابی هم قبول دارند. «نخستین فعالیت امام «درخواست» از حکومت برای اجرای احکام دینی بود. ادامه این جریان به نصیحت دولتمردان و فعالیت برای اصلاح چهارچوب فکری حاکم منجر شد. اما سیر حوادث و وقایع، امام را به این نتیجه رساند که هدف یاد شده، بدون تشکیل حکومت اسلامی تحقق نمی‌یابد. پس ایشان نهاد سلطنت را فاقد مشروعیت خواند و قانونی بودن آن را زیر سوال برد. امام در دوره تبعید به دنبال حرکت سلبی (نفی مشروعیت رژیم شاه) حرکتی ایجابی نیز انجام داد و نظریه ولایت فقیه را به عنوان الگویی بدیل برای نظام سیاسی ایران ارائه کرد» (نبوی، ۱۳۸۵: ۱۳).

در کتاب کشف‌الاسرار و کتاب البیع، گفتمان انقلاب جایگزین گفتمان اصلاح می‌شود و امام با دیدن اعمال و رفتار حکومت پهلوی دوم خصوصاً پس از خرداد ۴۲ و نهایتاً تبعید امام در آبان ۴۳ و قضیه کاپیتولاسیون، تقاضای برپایی حکومت اسلامی را می‌نمایند. «فریاد ما که می‌گوییم ما حکومت اسلامی می‌خواهیم و مرگ بر این سلطنت کثافت‌کاری، برای این است که ما می‌بینیم که (خودمان می‌دانیم و هم یک وقت تاریخ می‌خوانیم) سلاطین سابق هر چه بودند، جبار بودند، لکن خیانت در آن‌ها کم بوده، جبار بودند، تبهکار بودند، تعدی می‌کردند به مردم، اما مملکت‌شان را به یک مملکت دیگری، منافع مملکت‌شان را به مملکت دیگری نمی‌دادند. من ندیدم که یکی از سلاطین سابق مملکت‌اش را فروخته باشد به یک کسی، منافع مملکتش را تقدیم دیگری کرده باشد، این اخیراً شده و خصوصاً در زمان این آقا، در زمان این سلطان مفسد، این مسائل پیدا شده است که هر چیزی که ما داریم این‌ها از بین برده‌اند. زندگی خودشان این زندگی است، زندگی شما این است که می‌بینید» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۶۰).

و یا در جایی دیگر، باز درباره رژیم شاه می‌گویند: «می‌خواهیم حساب صدر اسلام را بکنیم که متن اسلام است، خود اسلام و متن اسلام است، ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم بر اساس اسلام، و یا یک رژیم دموکراسی بوده است یا یک رژیم قلدری و استبدادی بوده؟» (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۳۲۹)

آرمان‌های سیاسی امام به اختصار عبارت است از:

- ۱- تشکیل حکومت اسلامی با عنوان جمهوری اسلامی
 - ۲- قطع وابستگی به اجانب
 - ۳- حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان
 - ۴- کسب استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی
 - ۵- حاکمیت دین و ارزش‌های الهی دینی در جامعه
 - ۶- داشتن نیروی نظامی قوی و مستقل، متناسب با مصالح و منافع ملی و جهان اسلام و خطرهایی که کشور را تهدید می‌کند.
 - ۷- گماردن افراد شایسته به مناصب کلیدی و غیرکلیدی
 - ۸- ساختن انسان مورد نظر اسلام
 - ۹- برقراری آزادی‌های مشروع اسلامی در جامعه
- امام یک سری اصول را باور دارد و در کلیه موضع‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی آن‌ها را عمل می‌نماید. آن اصول به ترتیب ذیل هستند:
- ۱- اصل تکلیف ۲- اصل مصلحت اسلام ۳- اصل دعوت و گسترش اسلام ۴- اصل نفی سبیل ۵- اصل عدالت ۶- اصل ولایت الهی ۷- اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان ۷- اصل اجتهاد
- مهم‌ترین اصل که در اندیشه امام مطرح است، اصل تکلیف است: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم با ظلم مقابله کنیم، ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم، با این آدمخوارها و با این خونخوارها مقابله کنیم» (همان، ج ۷: ۲۲۰).
- عمل به تکلیف مهم‌ترین مسئله و اصل در اندیشه امام است. او عمل به تکلیف را وظیفه شرعی همه مسلمانان می‌داند: «پس ما یک وظیفه شرعی داریم انجام دهیم، این وظیفه شرعی ماست اگر نتوانستیم پیش ببریم، حضرت امیر هم نتوانست معاویه را از بین ببرد، ولی وظیفه‌اش را عمل کرد، ما وظیفه‌مان را عمل می‌کنیم» (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۵۸).
- یا در پایان جنگ تحمیلی و پذیرش آتش‌بس و توقف جنگ می‌گویند: «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعمال شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن نظام و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و

عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور (که من به تعهد و دلسوزی آنان اعتماد دارم) با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم» (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱: ۱۱۱).

دومین اصل: مصلحت اسلام و مسلمین است. وی در یک گفتار صریح و روشن می‌گویند: «اگر من خدای نخواستہ، یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم، بحمدالله تعالی، والله تا حالا نترسیده‌ام» (همان: ۱۱۲).

در ماجرای لایحه انجمن‌های ایالتی ولایتی و بعد در قضیه کاپیتولاسیون آن‌چه را باید، گفتند و با قاطعیت هر چه تمام‌تر در مقابل حکومت جور و ظلم و طاغوت ایستادند. آن‌جا که در ۴ آبان ۴۳ علیه سلطه آمریکا و غربی‌ها فریاد سر دادند: «انا لله و انا الیه راجعون، ... قلب من در فشار است، ناراحت هستم ... ما را فروختند ... آن آقا بانی که می‌گویند باید خفه شد، این‌جا هم باید خفه شد؟ این‌جا هم خفه شویم؟ ما را بفروشدند و خفه شویم، قرآن را بفروشدند و خفه بشویم؟ والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نزد ... هرگز نباید یک همچون چیزی واقع بشود، یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند، لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (همان: ۱۱۳).

پس امام، استقلال را به معنای عدم وابستگی به غرب و شرق معنی می‌کنند. بعد از این سخنان افشاگرانه امام، ایشان توسط کماندوهای رژیم دستگیر و به ترکیه و سپس عراق تبعید می‌شوند. پس از تبعید امام، دوستان و روشنفکران، دانشجویان و علما همواره با ایشان در ارتباط بودند و پیام‌های سیاسی امام را به گوش مردم می‌رساندند. تا بالاخره با فرماندهی عملیات انقلاب توسط امام در ۲۲ بهمن ۵۷ انقلاب ملت ایران به پیروزی رسید و امت توانست با رهبری امام خویش، بر طاغوت غلبه نماید و حکومت اسلامی را مستقر نماید.

جایگاه استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در اندیشه امام

۱- استقلال

یکی از مسائلی که همواره در شعارهای امت مسلمان ایران در تمامی دوران انقلاب مطرح بود، استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های شرق و غرب بود.

تحقق استقلال و ایجاد یک نظام سیاسی بر اساس مصالح و منافع ملی مسلمانان ایران از جمله اموری بود که امام همواره بر آن تأکید می‌کرد. شعارهای استقلال‌طلبانه مردم در واکنش به وابستگی رژیم به آمریکا و غرب و ژاندارم منطقه بودن شاه بود. امام به طور مکرر و مداوم این معانی را در سخنرانی‌های خویش به کار می‌بردند. عدم وابستگی، نفی دخالت اجانب و بیگانگان در امور کشور، قطع نفوذ مستکبران جهان، آزادی و رها شدن از قید و بند بیگانگان، به دست گرفتن سرنوشت و مقررات خویش، خروج از نفوذ استعمار، قطع ایادی اجانب، تحت نظر دیگران نبودن و اداره مستقل کشور: «ما می‌گوییم آقا! غلام حلقه به گوش دیگران نباشید. استقلال را حفظ کنید، از تبعیت دیگران دست بردارید» (همان، ۱۳۷۵، ج ۸: ۱۱۲).

و یا این که در جایی دیگر نیز می‌گوید: «این که جوانان ما می‌گویند: نه شرق و نه غرب، معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند و این کاملاً به جا و به حق است» (همان: ۱۱۴) و یا اینکه در یکی از دیدارهای بعد از انقلاب می‌گویند: «باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان - این جهانخواران بین‌المللی - استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد» (همان: ۲۵).

اندیشه سیاسی امام برگرفته از آیات الهی و روایات معصومین سلام الله علیها است و به خاطر همین است که بر دل مردم مسلمان کشورمان می‌نشیند و سخن امام، برای جوانان و ملت مسلمان ایران فصل الخطاب می‌شود و در مبارزات آشتی‌ناپذیر مردم علیه رژیم شاه، امام نقش رهبری بلامنازع پیدا می‌کند.

۲- حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی در اندیشه امام

در مورد مدل حکومتی که ایشان در سال ۱۳۴۸ در نجف اشرف ارائه نمودند، زیربنای تأسیس جمهوری اسلامی در ایران پس از انقلاب شد. اگر چنین طرحی را امام مطرح نکرده بودند انقلاب اسلامی سرنوشتی به مانند مشروطه و یا ملی شدن نفت پیدا می‌کرد.

در حافظه تاریخی مردم ما، حوادث مشروطه و پیامدهای آن ماندگار شده که اگر روحانیت هم در رأس یک جنبش باشد چنانچه طرح از پیش آماده‌ای نداشته باشیم، آن‌ها که مدل آماده سیاسی و حکومتی دارند غلبه پیدا می‌کند، همان‌طور که در مشروطه اتفاق افتاد، پس از آن همه زحمت و تلاش بالاخره مشروطه انگلیسی به جای مشروطه مشروعه مطرح شد و چند اصل به ظاهر اسلامی هم تدوین شد. از درون مشروطه انگلیسی نمی‌تواند مشروعه در بیاید و یا مشروطه مطابق قوانین اسلام و این موضوع باعث تفرقه بین روحانیت گردید. پس می‌توان گفت: زیربنای انقلاب اسلامی، همین ارائه مدل جایگزین بود که زمانی مردم در ۲۲ بهمن در انقلاب پیروز شدند، همه چیز آماده بود و طرح ولایت فقیه و حکومت اسلامی به نام جمهوری اسلامی مطرح و پس از رأی دادن مردم ایران به آن در فروردین ۱۳۵۸، اجرایی شد. و نهادهای اسلامی جایگزین نهادهای شاهنشاهی گردید. و مکتب امام راه را برای همه روشن ساخت. موضوع دیگر که باید یادآوری کرد تأسیس سپاه پاسداران و بسیج بود.

۳- موضوع آماده کردن نیروی نظامی که در دفاع از انقلاب بایستد از جمله ابتکارات حضرت امام بود. امام و رهبری انقلاب با مطالعه نهضت مشروطه و ملی شدن نفت علل شکست آن‌ها را در حوزه قدرت سخت عدم تشکیل نهاد نظامی محافظ انقلاب می‌داند. لذا با پیروزی انقلاب اولین اقدام تشکیل سپاه پاسداران و سپس بسیج اقشار است. علی‌رغم مخالفت‌های برخی افراد در شورای انقلاب به دستور امام سپاه تشکیل می‌شود چرا که تجربه تاریخ میهن ما نشان داده بود که اگر سپاه و بسیج نبود سرنوشت همان سرنوشت مشروطه و ملی شدن نفت و شکست انقلاب بود. هنوز حادثه به توپ بستن مجلس توسط «لیاخوف روسی» به دستور «محمدعلی شاه» مستبد از خاطره و ذهن تاریخی مردم ایران پاک نشده بود. اگر در آن زمان، سازمان نظامی ملی و مردمی مثل سپاه و بسیج وجود داشت، قطعاً اتفاقات غیر از وقایع تاریخی ثبت شده اتفاق می‌افتاد. در همه مقاطع پس از انقلاب، چه سال‌های بحران اولیه و چه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و چه حتی حوادث سال‌های اخیر (فتنه ۸۸) همه و همه اگر سپاه و بسیج و دفاع مردم از انقلاب نبود تا حالا صدها بار انقلاب شکست خورده بود و چقدر به جا امام همیشه می‌گفتند: اگر سپاه نبود کشور هم نبود.

لذا با بررسی اندیشه سیاسی امام می‌توان به این جمع‌بندی رسید که امام در سه منظر: ایدئولوگ انقلاب، فرمانده انقلاب و معمار انقلاب شاکله اصلی نظام را سامان بخشیده و همان‌طور که مقام معظم رهبری

بارها گفته‌اند: «این انقلاب بی‌نام امام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست». به حق هم‌چنین است و مهر امام بر انقلاب حک شده و زودنی نیست و زیربنای اصلی، همراه با جمیع شرایط دیگر همانا ایده و تفکر و اندیشه‌های سیاسی امام بوده است.

هر چند امام بدون امت هم نمی‌تواند کاری انجام دهد، پس امام و امت مسلمان، مکمل یک‌دیگر در انقلاب اسلامی بوده‌اند. نقش مردم در انقلاب و تبعیت از رهبری امام درست بر اساس آیات الهی و سیره نبوی و ائمه معصومین شکل گرفته است. یعنی این که جمهوری اسلامی را مترادف مردسالاری دینی می‌دانیم در اصل پیرو همین اندیشه و تفکر است.

در پایان از ذکر شاخص‌های دیگر در اندیشه سیاسی امام همچون عدالت، آزادی و انتخابات و تکیه بر مردم و بسیاری مسائل دیگر می‌گذریم، چون سخن به درازا می‌کشد و این مطالب خودش یک تحقیق مفصل را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه‌های امام در رابطه با اسلام و انقلاب اسلامی می‌توان گفت:

علت اصلی تأسیس جمهوری اسلامی همانا اندیشه‌های ناب اسلامی امام خمینی بوده است و اگر تعیین مدل حکومتی ولایت فقیه از سوی ایشان در سال ۴۸ در نجف اشرف انجام نگرفته بود، پس از پیروزی انقلاب گروه‌های لیبرال که مدل آماده حکومتی بر اساس لیبرالیسم داشتند، می‌توانستند جهت اصلی انقلاب را به سمت مبانی غرب بکشانند و هویت اصلی انقلاب یعنی اسلامی بودن محقق نمی‌شد. قواعد فکری و عملی حکومت اسلامی که از سوی امام مطرح شد، توانست تشکیل حکومت اسلامی را نهادینه کند و با رهبری قاطع امام به پیروزی برساند.

امام در سه مرحله با سه موقعیت خاص در انقلاب و پس از انقلاب مشارکت داشتند:

- ۱- دوران مرجعیت و مبارزه اولیه ایدئولوژیکی با جاهلان و معاندان
- ۲- دوران مبارزه و تبعید و بازگشت به ایران و فرماندهی انقلاب و پیروزی
- ۳- دوران معماری انقلاب از ۶۸-۱۳۵۷ که امام نهادسازی را انجام دادند و انقلاب را رهبری و معماری کردند.

شخصیت علمی و عرفانی امام با قاطعیت سیاسی و مؤمنانه زیربنای انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد که توده‌های مردم ایران به اتفاق، ایشان را به رهبری انتخاب کردند و تا پایان عمر بابرکت امام هم در دفاع از آرمان‌ها و انقلاب در کنار ایشان ایستادند و اکنون هم راه امام همچنان ادامه دارد.

در جواب سؤال اصلی به این نتیجه رسیدیم که پیروزی انقلاب اسلامی به واسطه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی و زیربنای اصلی حرکات و تحرکات مردم ایران بوده است.

ما به دنبال اثبات فرضیه اصلی نیز بودیم و که نتیجه‌ی حاصل شده این است که: بدون حضور امام و اندیشه‌های سیاسی ایشان انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید و امام بدون امت و امت بدون امام قابل تصور نیست. معیار اصلی همه جریان‌ها خط امام و پیرو راه امام بودن از جمله ملاک‌های تعیین کننده جهت انقلاب و نظم سیاسی پس از انقلاب بود و پس از رحلت امام، مکتب امام و راه امام، ملاک وفاداری به انقلاب اسلامی و اسلام اصیل می‌باشد که امروز خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری سکاندار کشتی انقلاب در دریای متلاطم کنونی و بحران‌های کنونی هستند که به خوبی از عهده هدایت انقلاب برآمده‌اند و راه امام را همچنان ادامه می‌دهند.

منابع

- پسندیده، مرتضی (۱۳۷۴) خاطرات آیت‌ا... پسندیده، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، تهران، حدیث.
- خنجی اصفهانی، فضل‌اله روزبهان (۱۳۶۲) سلوک الملوک، به تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران.
- رجبی، محمدحسین (۱۳۷۷) زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۳) اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، نشر معارف نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها.
- قاضی‌زاده، کاظم و سعید ضیایی‌فر (۱۳۷۷) اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۷۳) سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۵۳) فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.

موسوی خمینی، روح‌الیه (۱۳۷۸) آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

--- (۱۳۷۵) صحیفه امام، از جلد ۱ تا ۲۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

--- (بی تا) کشف الاسرار، قم، آزادی.

استادی، رضا (۱۳۶۸) مشایخ امام خمینی، کیهان فرهنگی، سال ششم، ش ۳.

نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۸۵) تطور اندیشه سیاسی امام خمینی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۶ (۷).